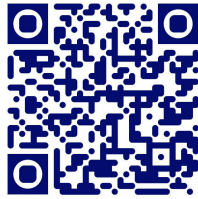


تبیین مؤلفه‌های تربیتی توبه با محوریت مناجات تائبین در دعای خمسه عشر



سید محمد رضا حسینی نیا^{۱*}، عاطفه دژپسند^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2026.31337.1188](https://doi.org/10.22084/DUA.2026.31337.1188)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹



چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مؤلفه‌های تربیتی توبه در مناجات تائبین از مناجات خمسه عشر امام سجاد(ع) و با روش توصیفی تحلیلی و استناد به آیات قرآن، روایات و تفاسیر معتبر انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مناجات تائبین فراتر از متنی عبادی، الگویی نظام‌مند برای تربیت نفس ارائه می‌دهد که بر پنج مؤلفه کلیدی استوار است: ۱- تزکیه نفس از طریق خودآگاهی ۲- تحول عاطفی مبتنی بر پشیمانی سازنده ۳- تقویت ایمان و امید به رحمت الهی به‌عنوان محرک رشد معنوی ۴- ارتقای معرفت الهی از طریق توسل به اسما و صفات خداوند ۵- تعهد عملی به تغییر سبک زندگی با جبران گذشته. این مناجات با گفتمان دیالکتیکی «اعتراف-امیدواری»، رابطه عبد و رب را در مسیر توبه‌پذیری بازسازی می‌کند و با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایی، نقش تربیتی توبه را در این مناجات برجسته می‌سازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مناجات تائبین به‌عنوان قلب دعای خمسه عشر، نه تنها الگویی برای تربیت دینی است، بلکه راهکاری عملی برای مقابله با بحران‌های اخلاقی عصر حاضر محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: توبه، تربیت دینی، مناجات تائبین، دعای خمسه عشر، امام سجاد(ع)

۱- دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایران (نویسنده مسئول) * M.hoseininia@ilam.ac.ir
 ۲- دانشجوی دکترا علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایران. dzhpsndatfh@gmail.ir



۱- مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

توبه همواره جایگاهی ویژه در متون دینی، اعم از قرآن، حدیث و ادعیه، داشته است. این مفهوم نه تنها به معنای بازگشت از گناه، بلکه به عنوان فرایندی تحول آفرین و تربیتی در جهت بازسازی شخصیت فردی و اجتماعی انسان مطرح شده است. در این میان، مناجات تائبین در دعای خمسه عشر به عنوان یکی از متون عمیق عرفانی و تربیتی، ظرفیت بالایی برای تحلیل مؤلفه‌های تربیتی توبه دارد. در قرآن کریم، توبه به عنوان یک فرایند تربیتی و بازگشت به سوی خداوند مطرح شده است. آیات متعددی به بخشش گناهان و پاداش توبه صادقانه اشاره دارند. برای مثال، آیه (وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آن‌ها بگو: «سلام بر شما! پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هرکس از شما کار بدی از روی نادانی کند؛ سپس توبه و جبران نماید، مشمول رحمت خدا می‌شود؛ چرا که او آمرزنده مهربان است» (انعام/۵۴). در آیه ۳۱ سوره نور آمده است: (وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (نور/۳۱)؛ ای مومنان همگی به سوی خدا بازگردید، تا رستگار شوید. در دیدگاه تربیت دینی، همه حرکت‌ها در درون نهاد انسان وجود دارد و انسان با سیر در نفس خود می‌تواند حرکت تربیتی خویش را آغاز کند؛ چه اینکه فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ) (مائده/۱۰۵). در آیات قرآن و روایات معصومین (ع)، توبه به عنوان اصلی تربیتی و راهی برای تزکیه نفس بیان شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با اشاره به این آیه، بر این نکته تأکید می‌کند که توبه به عنوان یک فرایند تربیتی، در جهت پاک‌سازی نفس و رسیدن به طهارت روحی و اخلاقی عمل می‌کند و در این آیه تمامی مراتب توبه و طهارت را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۳۱۷/۶). در روایات نیز به جنبه‌های تربیتی توبه اشاره شده است. به عنوان مثال، امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «التَّوْبَةُ نَدْمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَتَرْكُ بِالْجَوَارِحِ، وَعَزْمٌ أَنْ لَا يُعَاوَدَ»؛ توبه، پشیمانی در قلب، استغفار با زبان، ترک گناه با اعضا و جوارح، و عزم بر بازنگشتن به گناه است. این روایت به خوبی نشان می‌دهد که توبه به عنوان یک فرایند تربیتی، شامل مراحل مختلفی است که هریک از آن‌ها در جهت اصلاح نفس و رفتار عمل می‌کنند. این مراحل شامل پشیمانی قلبی، استغفار زبانی، ترک عملی گناه و عزم بر عدم بازگشت به آن است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۱۶: ح ۲۰۹۵).



مناجات خمسه عشر، یکی از دعا‌های پرمحتوای شیعی است که بخش قابل توجهی از آن به مناجات با خداوند اختصاص دارد. در میان این مناجات، مناجات تائبین جایگاه ویژه‌ای دارد. این مناجات به عنوان قلب دعای خمسه عشر قابل بررسی است. با توجه به محتوای دعایی و درخواست‌های مطرح شده پس از این مناجات، می‌توان نتیجه گرفت که این بخش به عنوان محور اصلی و نقطه عطف این دعا عمل می‌کند. تمام نیایش‌های موجود در مناجات خمسه عشر به این مناجات منتهی می‌شود و تمام درخواست‌های بعدی، در سایه و ادامه این مناجات مطرح می‌گردد. این امر جایگاه و اهمیت این مناجات را در کل دعا برجسته می‌سازد. برای نمونه در فرازهایی از مناجات سوم (مناجات الخائفین) آمده است: «إِلَهِي لَا تُغَلِّقْ عَلَيَّ مُوَحِّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»؛ «الهی درهای رحمتت را بر من مبنده» و در فرازی از مناجات چهارم (مناجات الراجین) آمده است: «إِلَهِي بِدَائِلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي»؛ «خدایا من دستم را به دامن کرمت آویخته‌ام که این موارد و درخواست‌ها به خوبی نشان می‌دهد که تمام مناجات‌های بعدی در این دعا به همین مناجات اول، مناجات تائبین برمی‌گردد. این عبارات به نوعی نشان‌گر محوریت مناجات تائبین در ساختار کلی دعا هستند. با توجه به آنچه ذکر شد، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که: مناجات تائبین در دعای خمسه عشر، چه مؤلفه‌های تربیتی خاصی پس از تحقق توبه واقعی و پایدار معرفی می‌کند؟ اهمیت این پرسش از آنرو است که با تحلیل دقیق راهبردها و برنامه‌های تربیتی مطرح در این مناجات، می‌توان راهکارهایی اجرایی برای اصلاح شخصیت، بازسازی امید، تقویت معرفت الهی و ارتقای سلامت روانی در سطوح فردی و جمعی ارائه داد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در اغلب پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، موضوع توبه بیشتر از منظر قرآن، روایات و نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال، دکترننسی ساکی در دو مقاله جداگانه به ابعاد تربیتی و عرفانی توبه از دیدگاه امام علی (ع) و تأثیر آن بر سلامت روان پرداخته و امیررضا اشرفی نیز نقش توبه را در تکامل انسان در ابعاد مختلف تحلیل کرده است. پژوهش‌هایی نظیر پایان‌نامه عفت خسروی و هاجر مهرعلیان، تنها به شکل گذرا یا موضوعی به مقوله توبه در ادعیه امام سجاده (ع) اشاره نموده‌اند. مقاله دیگری در این زمینه با عنوان تبیین مقاصد تربیت اخلاقی در مناجات خمسه عشر تألیف وحید پرویزی مشاهده شد که مقاصد تربیت اخلاقی را در این مناجات در سه بخش بینشی، گرایشی و رفتاری به صورت کلی استخراج کرده است، اما به صورت تخصصی به مناجات تائبین و مؤلفه‌های تربیتی توبه در این بخش از مناجات پرداخته است. با وجود غنای نسبی پژوهش‌های پیشین، ملاحظه می‌شود که اکثر مطالعات متمرکز بر



بررسی توبه در متون قرآنی و حدیثی بوده و کمتر به بازخوانی این مفهوم در ادبیات دعایی، به‌ویژه متون برجسته‌ای چون مناجات خمس‌عشر توجه شده است. این در حالی است که مناجات تائبین به‌عنوان بخشی از دعای خمس‌عشر، حاوی ظرائف معنایی و تربیتی بی‌بدیلی در تبیین سیر توبه‌پذیری است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، می‌کوشد تا با تمرکز بر مناجات مذکور، مؤلفه‌های تربیتی توبه را در این بخش از دعا استخراج کند. این مطالعه از آن جهت نوآورانه محسوب می‌شود که برای نخستین بار، مؤلفه‌های تربیتی توبه را با محوریت مناجات تائبین در دعای خمس‌عشر با استناد به شواهد قرآنی و روایی به‌صورت نظام‌مند تبیین می‌کند.

۲- مفهوم‌شناسی توبه در لغت و اصطلاح

توبه در لغت به معنای بازگشت و احساس شرم از گناه است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه.ق: ۱۳۸؛ طریحی، ۱۳۷۵ ه.ش: ۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ه.ق: ۳۵۷). در کتاب «المعجم فی فقه لغه القرآن» درباره تحول معنایی توبه آمده است که اصل این واژه به معنای بازگشت مطلق است، اما به تدریج به بازگشت از گناه و روی آوردن به سوی خدا اختصاص یافته است. مصطفوی معنای اصلی ریشه «توب» را بازگشت از گناه همراه با احساس پشیمانی می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴۳۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ه. ش: ۲۲۳). همچنین، توبه از پشیمانی خاص‌تر است؛ زیرا گاهی فرد از کاری پشیمان می‌شود، اما به زشتی آن اعتقاد ندارد؛ در حالی که در توبه، پشیمانی بدون اعتقاد به زشتی گناه محقق نمی‌شود (عسکری، ۱۴۱۲ ق: ۱/۱۴۶-۱۴۷). در تفسیر گنابادی آمده است که توبه به معنای بازگشت از مخالفت با حکم خدا به سوی موافقت با آن است و تا زمانی که فرد از حقیقت گناه آگاه نباشد و نداند که عملی که انجام می‌دهد، مخالف دستور خداوند است، توبه برای او معنا نخواهد داشت (گنابادی، ۱۴۰۸ ه.ق: ۳۱۹). با توجه به این تعاریف توبه اصطلاحی دینی، اخلاقی و عرفانی است که به معنای بازگشت به سوی خداوند همراه با پشیمانی عمیق از گناه، تصمیم بر ترک آن و جبران گذشته است. این فرایند، نه تنها تغییر رفتار، بلکه تحول درونی و معنوی فرد را در پی دارد و نشان‌دهنده تعهد او به زندگی بر اساس رضایت الهی است.

۳- تربیت در لغت و اصطلاح

واژه تربیت که در فارسی عمدتاً به معنای «پروراندن» یا «پرورش دادن» به کار می‌رود (سیاح، ۱۳۸۳: ۶۳۴)، ریشه‌ای عربی دارد. پژوهش‌های ریشه‌شناسی نشان می‌دهد، این واژه می‌تواند از ماده‌های متفاوتی مانند «رَبَّتْ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۲/۳۳)، «رَبَّیْ» (صاحب، ۱۴۱۴ ق: ۲۷۶/۱۰)، «رَبَّوْ» (مصطفوی،



۱۴۳۰ ق: ۴/۴) و یا «رَبِّ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۳۶/۱) مشتق شده باشد. در اصطلاح دینی، تربیت عبارت است از: مجموعه اقدامات آگاهانه و هدفمندی که فرد برای تأثیرگذاری بر باورها، شناخت‌ها، احساسات، عواطف و رفتارهای خود یا دیگران، بر پایه یک برنامه منظم و دقیق انجام می‌دهد (داوودی، ۱۳۸۰: ۲۵). واژه تربیت در زبان عربی، اگرچه به صورت مصدر در قرآن کریم نیامده است، اما افعال و مشتقات ریشه آن (رَبَو - يَرَبُو) که دلالت بر رشد و افزایش دارد، در دو آیه شریفه به کار رفته است: (وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ اِزْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا) (اسراء/ ۲۴)؛ (قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكْ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ) (الشعراء/ ۱۸). در هر دو آیه، فعل «رَبَّيْتُ» به معنای اولیه و حسی خود، یعنی بزرگ کردن، پرورش جسمی و رساندن کودک به مرحله رشد و قوت استعمال شده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۴۹/۳).

این معنا، هم‌سو با کاربردهای رایج واژه در زبان عربی و اشاره به بعد مادی و فیزیکی پرورش است. اما برای دستیابی به مفهوم اصطلاحی تربیت در اندیشه اسلامی، باید به ریشه اصلی‌تر و جامع‌تری نظر افکند که در قرآن کریم بسامد بسیار بالایی دارد: ریشه «رَبَّب» که نام الهی «الرَّبِّ» (پروردگار) از آن مشتق شده است. «الرَّبِّ» در قرآن، به معنای مالک، مدبّر، صاحب و کسی است که امور مخلوقات خود را به سوی کمال و صلاحشان سامان می‌بخشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۹۹/۱). راغب اصفهانی در المفردات ذیل واژه «رب» می‌نویسد: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَةُ، وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حُدِّ التَّمَامِ؛ يَعْنِي رَبٌّ فِي الْأَصْلِ بِمَعْنَى تَرْبِيَتِهِ» و آن عبارت است از پرورش تدریجی چیزی تا رسیدن به حد کمال و تمامیت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶/۱). اما شکوفایی این استعدادها و حرکت در مسیر تربیت، نیازمند حس نیاز درونی و خودآگاهی است. آیه‌ای که به این اصل اشاره دارد، آیه (يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) (فاطر: ۱۵) است. این آیه، احساس فقر و نیاز ذاتی انسان به پروردگارش را نشان می‌دهد که همان محرک اصلی برای پیمودن مسیر تربیت و توبه به سوی اوست؛ پس، تربیت دینی بدون احساس این نیاز درونی که خود یکی از مواهب ربوبی است، تحقق نمی‌یابد.

در نتیجه، تربیت در اصطلاح اسلامی، فرایند تدریجی و هدفمند پرورش و هدایت همه استعدادها، فطری و اکتسابی انسان از جمله استعداد توبه‌پذیری تحت ربوبیت الهی، برای رسیدن به مقام قرب و بندگی اوست. مناجات تائبین، نمونه‌ای از تجلی این احساس نیاز درونی و طلب تربیت از ذات اقدس ربوبی است. مریبان و فیلسوفان تربیت، هریک با توجه به رویکرد فلسفی خود به مفاهیمی مانند هستی، خدا، جهان، انسان و معرفت، تربیت را متناسب با نگرش و خواست خود تعریف کرده‌اند (پرویزی، ۱۴۰۱:



۳). ابن سینا در تعریف خود، تربیت را همانندسازی رفتارهای پسندیده در مرتبی و هدایت وی به سوی کمال وجودی اش برمی‌شمارد (رفیعی، ۱۳۹۲: ۴۱). در تعلیم و تربیت اسلامی، انسان به جای اینکه وسیله باشد، هدف است و نیازهای موجود در جامعه به‌عنوان وسیله برای رسیدن به هدف تلقی می‌شوند. در این مکتب، هدف تأمین فضیلت در انسان است. نراقی غایت تربیت و تهذیب را رسیدن به خیر و سعادت، و سعادت را شکوفایی استعدادها و کمال نهفته در سرشت آدمی می‌داند (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۰: ۷). اما سخن از انگیزه و استعداد یا کشش درونی به تربیت، بدون یک ضرورت یا احساس نیاز تربیتی، به مرحله تحقق و ظهور و بروز بیرونی نخواهد رسید و بدین‌سان، یکی از عناصر حرکت در شاهراه تربیت دینی انسان، حس نیاز به تعالی و حالت قبول و پذیرش کاهش و کاستی در وجود خود و دست‌یابی به مطلوبیت یک انسان آرمانی و تربیتی است.

۴- جایگاه توبه در تربیت اسلامی

در منظومه تربیت اسلامی، توبه صرفاً یک عمل عبادی فردی نیست، بلکه یک اصل تربیتی بنیادین و محور تحول وجودی انسان است. در دیدگاه تربیت دینی اسلام، تمامی قابلیت‌های رشد در درون انسان نهفته است و او با سفر درونی می‌تواند مسیر تربیت خویش را آغاز کند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ) (مائده/۱۰۵). از منظر اسلامی، هدف غایی تربیت، کمک به انسان برای فعلیت‌بخشیدن به استعدادهای فطری و الهی خویش و بازگشت به حالت تعادل و پاکی اولیه (فطرت) است. توبه، با زدودن غبار گناه و غفلت، اولین و ضروری‌ترین گام در این مسیر است؛ چرا که شرط امکان هرگونه تربیت‌پذیری، پاک‌سازی زمینه‌های قبلی است. آیات متعددی در این زمینه وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: (فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (مائده/۳۹)؛ (پس کسی که بعد از ستم‌کردنش توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید، یقیناً خدا توبه‌اش را می‌پذیرد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است). این آیه نشان می‌دهد که توبه، نقش پیشانی‌بند و مقدمه‌ای ضروری برای تمام مراحل بعدی سلوک تربیتی ایفا می‌کند.

یکی از چالش‌های هر نظام تربیتی، مواجهه با شکست و خطای مرتبی است. ناامیدی می‌تواند هر فرایند تربیتی را نابود کند. جایگاه توبه در اینجا به‌عنوان عامل حیات‌بخش و امیدآفرین جلوه می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)؛ (زمر/۵۳)؛ بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف کرده‌اید، از



رحمت خدا ناامید نشوید، زیرا خدا همه گناهان را می‌بخشد؛ اوست آمرزنده و مهربان. این آیه امید به بخشش الهی را به‌عنوان محرکی برای توبه و بازگشت به سوی خدا مطرح می‌کند و توبه را به یک اصل تربیتی ترمیمی‌تحویلی تبدیل می‌کند که اجازه نمی‌دهد هیچ خطایی، هر قدر هم بزرگ، پایان راه تربیت باشد. امیر مؤمنان علی (ع) در مورد توبه حضرت آدم (ع) و گشوده‌شدن درهای رحمت الهی به روی او می‌فرماید: «ثُمَّ بَسَطَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ فِي تَوْبَتِهِ وَلَقَاءِهِ كَلِمَةً رَحْمَتِهِ» (نهج البلاغه/خطبه ۱)؛ سپس خدای سبحان در توبه را به روی او گشود و کلمه رحمت را بر زبانش جاری ساخت. انسان در آغاز آفرینش، خالی از هر گونه صلاح و فساد است؛ نه دارای کمالات روحانی است و نه به نقایص اخلاقی آلوده. باین حال، او از استعدادی ذاتی برخوردار است که می‌تواند به سوی هر گونه صلاح یا فساد گرایش یابد.

هنگامی که فطرت پاک او، که سرشار از عشق به کمال مطلق است، و حقیقت وجودی‌اش، که با نور الهی روشن شده، تحت تأثیر تاریکی‌ها و غبار گناه قرار گیرد و دلش به ظلمت معصیت آلوده شود، باید پیش از آنکه این تاریکی‌ها افزایش یابد و قلبش را به کلی تیره سازد، به خود آید و توبه کند. توبه و بازگشت به سوی خدا، تنها راه زدودن تاریکی‌ها از دل و بازگشت به فطرت پاک انسانی و حقیقت الهی است. (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۴/۲۴۷-۲۴۸). ابو بصیر نقل می‌کند که از امام صادق (ع) شنیدم که فرمودند: «إِذَا أَدْنَبَ الرَّجُلُ حَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ، فَإِنْ تَابَ ائْتَمَحَتْ، وَإِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۲۷۱).

هرگاه انسان گناهی کند، نقطه‌ای سیاه در دلش پدیدار می‌شود؛ پس اگر توبه کند، آن نقطه محو می‌شود، و اگر بر گناه بیفزاید، آن نقطه افزایش می‌یابد تا بر قلبش غلبه کند و پس از آن هرگز رستگار نخواهد شد؛ بنابراین، توبه یک عمل ایستا نیست، بلکه فرایندی پویاست که خود، بستر پرورش فضایل اخلاقی متعددی چون واقع‌بینی، قضاوت درست درباره خویش (خودانتقادی)، عزم راسخ و اراده قوی است؛ بنابراین توبه در نظام تربیت اسلامی، یک اصل زیربنایی، پویا و چند وجهی است که هم به‌عنوان پیش‌نیاز، (پاک‌سازی بستر)، هم به‌عنوان روش (مکانیزم خوداصلاحی) و هم به‌عنوان بازدارنده از یأس (علمل ترمیم و استمرار) عمل می‌کند. این جایگاه ممتاز، آن را از یک مفهوم صرفاً اخلاقی یا فقهی جدا ساخته و به آن هویتی تربیتی‌انقلابی می‌بخشد که نقطه آغازین سیر انسان به سوی کمال است.



۵- محتوای مناجات تأیید در دعای خمسه عشر

مناجات خمسه عشر، مجموعه‌ای پانزده گانه از ادعیه ناب شیعی، به‌عنوان گنجینه‌ای معنوی از میراث امام سجاد (ع) شناخته می‌شود که در منابع معتبر شیعه ثبت شده است. شیخ حر عاملی، در اثر ارزشمند *الصحیفة الثانیة السجادیة*، با استناد به قرائن تاریخی و تحلیل سندی، انتساب این مناجات را به امام چهارم شیعیان (ع) قطعی دانسته و بر اصالت محتوایی آن تأکید نموده است (حرعاملی، ۱۴۲۱ق: ۲۳). این مناجات یک دوره کامل عرفان اسلامی و رابطه انسان با خداوند مهربان را به خوبی ترسیم کرده است (مظفری: جمشیدی، ۱۳۸۳: ۷۰). زیرا با توجه به سیر منظوم و گام‌به‌گام پانزده مناجات که مراحل کاملی از توبه و خوف تا محبت و شکر را در بر می‌گیرد، می‌توان ادعا کرد که این مناجات در سنت عرفانی شیعه، به‌عنوان ترسیم‌کننده یک دوره کامل از سیر رابطه انسان با خداوند مهربان شناخته می‌شود. شاگردان سیدعلی طباطبایی، صاحب کتاب *فیاض المسائل* نقل می‌کنند که وی همواره بر تجربه شخصی خویش از آثار معنوی این مناجات تأکید و اظهار داشته: «طی چندین دهه، تداوم بر تلاوت این مناجات، قلبی را که پیش از این در حجاب‌های ظلمانی اسیر بود، به انوار حکمت، معرفت، و محبت الهی روشن ساخته، تا آنجا که شمارش این مواهب ناممکن است. افزون بر این، استجاب دعا در پرتو این مناجات را بارها آزموده‌ام» (تهرانی، ۱۳۷۴ ق: ۲۳۹). این گزارش‌ها حاکی از آن است که مناجات خمسه عشر نه فقط به‌مثابه متنی عبادی، بلکه به‌عنوان ابزاری تربیتی در مسیر تهذیب نفس و تقرب الهی، نزد عالمان و سالکان مکتب تشیع جایگاهی ویژه دارد.

این دعا سیرتحول روحی تائب را از مرحله اقرار به تقصیر تا طلب مغفرت ترسیم می‌کند. مناجات تأیید را می‌توان به چند بخش کلیدی تقسیم کرد:

۵-۱. اعتراف به گناه و بیان خواری نفس

«إِلَهِی أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا تَوْبَ مَدَّتْنِي... وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جَنَابَتِي» (مناجات‌التائبین: دعای خمسه عشر) امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مناجات تأیید می‌فرماید: پروردگارا! گناهان جامه خواری بر من پوشانده‌اند و دوری از تو جامه بینوایی بر تنم کرده و بزرگی گناهم، دل مرا میرانده است. پس با توبه‌پذیری خود، آن را زنده گردان، ای امید من وای مطلوب من (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۳: ۱۳). تائب با تصویرپردازی استعاری، گناهان را همچون لباس ذلت توصیف می‌کند که هویت او را پوشانده است. این تشبیه، گناه را عاملی برای مرگ قلب معرفی می‌کند. گناهان، همچون لباسی زشت و خفت‌بار «تَوْبَ مَدَّتْنِي» هستند که بر وجود انسان پوشانده می‌شوند. این استعاره نشان می‌دهد گناه تنها یک عمل گذرا نیست، بلکه هویتی



مذلت‌بار برای انسان می‌سازد. این مفهوم در قرآن نیز آمده: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (اعراف/۲۶). گناه، لباس تقوا را می‌درد و لباس مذلت را جایگزین می‌کند. امام (ع) به صراحت می‌فرماید «الْبَاعْدُ مِنْكَ» دور شدن از تو نتیجه «الْحَطَايَا» است. این یک مؤلفه تربیتی کلیدی است، اولین گام توبه، فهم رابطه علیت بین گناه و دوری از خداوند است. این دوری، خود به‌عنوان یک «لباس مسکنت» (پوشش بیچارگی) توصیف شده که بر استعارة اول افزوده می‌شود. «أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَائِي». گناهان بزرگ، قلب را که مرکز ادراک و حیات معنوی است، می‌میرانند. این تعبیر برگرفته از آیات قرآن است: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ» (حج/۴۶). امام (ع) از توصیف ظاهر (لباس) به باطن (قلب) حرکت می‌کنند. این سیر نشان می‌دهد گناه، تمام وجود انسان را در بر می‌گیرد.

۵-۲. طلب احیای قلب از طریق توبه (درخواست تجدید حیات معنوی)

«فَأَحْيِهِ بِتُوبَةٍ مِنْكَ»

خدایا گناه بزرگم قلبم را میراند، پس آن را با توبه‌ای از سوی تو زنده کن، ای امید و آرزوی من! گنتمان از مرگ قلب به احیای توبه تغییر می‌کند. در حدیثی از رسول خدا (ص): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَدْنَبَ كَانَتْ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فِي قَلْبِهِ، فَإِنْ تَابَ وَ نَزَعَ وَ اسْتَغْفَرَ صُقِلَ قَلْبُهُ»؛ «مؤمن هرگاه گناه کند، نقطه‌ای سیاه در دلش پدید آید. اگر توبه کرد و دست از گناه کشید و آمرزش خواست، دلش از آن لکه سیاه پاک شود» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۲۷۳). در نگاه امام سجاد (ع)، توبه تنها یک عذرخواهی کلامی یا پشیمانی احساسی موقت نیست. توبه یک تحول وجودی و یک انقلاب درونی است که مردن ناشی از غفلت و معصیت را به زندگی ناشی از یاد خدا و بندگی تبدیل می‌کند. این مفهوم، ریشه در آیات قرآن دارد: (أَوَمَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (انعام/۱۲۲). مفسران بزرگ، مصداق این احیاء را هدایت و توفیق توبه می‌دانند و معتقدند مراد از احیاء، احیاء روحانی است به هدایت و ایمان. این آیه در مقام تمثیل برای کسی است که از کفر به ایمان منتقل می‌شود و خداوند او را با نور هدایت روشنایی می‌بخشد (طباطبایی: ۱۳۵۲: ۷/۳۳۹). بنابراین، تعبیر امام سجاد (ع) از «فَأَحْيِهِ بِتُوبَةٍ» بازخوانی همین مفهوم قرآنی است. توبه، نور هدایتی است که خداوند به قلب مرده گناهکار می‌تاباند و او را از تاریکی‌های گناه به روشنایی طاعت منتقل می‌کند. در شرح این فراز، می‌توان چنین استنباط کرد که عبارت «فَأَحْيِهِ بِتُوبَةٍ مِنْكَ» همچون مرهمی شفابخش، امید را زنده می‌کند. این عبارت، درخواستی است از خداوند برای احیای دل، نه با



توبه‌ای از جانب بنده، بلکه با توبه‌ای از جانب خود خداوند. بدین ترتیب، این فراز، ضمن تأکید بر اهمیت توبه بر قدرت بی‌بدیل الهی در پذیرش توبه و جبران آسیب‌های ناشی از آن تأکید می‌ورزد.

۵-۳. بیان بی‌پناهی و اتکای مطلق به رحمت الهی (گفتمان اضطرار)

«فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فِيمَنْ أَلُوذُ؟»

«و اگر مرا از درگاهت برانی، به که پناه برم؟»

در بلاغت عربی، استفهام به دو شکل حقیقی و انکاری به کار می‌رود. استفهام انکاری به صورت پرسشی بیان می‌شود که هدف از آن، انکار امکان وقوع چیزی یا تأکید بر عدم وجود آن است. در این فراز از مناجات، امام سجاد (ع) با به‌کارگیری این ساختار، به صورت بلاغی بر عدم وجود پناهگاهی غیر از خداوند تأکید می‌کنند. این پرسش‌ها افزون بر بیان حالت اضطرار، زمینه‌ساز اقتناع خداوند برای استجابات دعا است. تائب با طرح پرسش‌های انکاری «فِيمَنْ أَلُوذُ؟» «پس به چه کسی پناه ببرم؟» اضطرارخویش را به‌مثابه ابزاری برای تقرب به خداوند مطرح می‌کند. این بخش، بازتاب‌دهنده آموزه قرآنی: (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ) (بقره/۱۸۶) است. این پرسش انکاری افزون بر بیان اضطرار، زمینه اقتناع خداوند برای استجابات را فراهم می‌کند. در روایتی از امام کاظم آمده است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ مَلَاذِي قَبْلَكَ أَلُوذُ، وَأَنْتَ مَعَاذِي قَبْلَكَ أَعُوذُ»؛ «خدایا تو پناهگاه منی، پس به تو پناه می‌برم؛ و تو مأوای منی، پس به تو پناه می‌آورم» (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۳۰/۹۴). این حدیث امام کاظم (ع) خدا را نه به‌عنوان موجودی دور، بلکه به‌عنوان پناهگاه همیشگی می‌داند که همواره در دسترس است.

۵-۴. استدلال بر ضرورت عفو الهی با توسل به صفات خداوند (منطق التماس)

«إِلَهِي هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبِيَّ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ؟... إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُبَّ عَلَيَّ»

در مقام استرحام علاوه بر اعتراف به توانایی خداوند بر جبران گناهان و خطاها، باید اطمینان خویش به جبران خطاها از سوی خداوند را بروز دهیم و به خداوند عرض کنیم که تو گناهان و خطاهای ما را می‌بخشی و بنده‌ات را از درگاهت ناامید نمی‌گردانی. برای ایجاد امید به جبران خطاها از سوی خداوند و اظهار اطمینان به بخشندگی خداوند، باید آن بخش از صفات و اسمای الهی را بر زبان آوریم که حالت تذلل و مناجات و امید به بخشایش خداوند و اطمینان به رحمت او را در ما افزایش می‌بخشد. مثلاً او را به‌عنوان غفور، رحیم، عَفُوٌّ و بخشاینده و کریم بخوانیم (مصباح، ۱۳۸۸: ۳).



بنابراین تائب با استناد به حق مولویت خداوند «هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَيْقُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ» و صفات حلم و علم الهی، منطق امیدواری به عفو را تقویت می‌کند. این استدلال، مبتنی بر اصل قرآنی: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ) (نساء/۴۸) است.

۶- مؤلفه‌های تربیتی توبه در مناجات تائبین

مؤلفه در لغت به معنای سازه، سازنده و تشکیل دهنده است (حق شناس، ۱۳۸۳: ۳۷۵) و در اصطلاح تعدادی امور مشابه، تحت یک سازه را مؤلفه می‌نامند. مؤلفه‌های تربیتی به مجموعه عناصر به هم پیوسته‌ای اطلاق می‌شود که ساختار یک نظام تربیتی را تشکیل داده و در قالب ابعاد مختلف، فرایند هدایت انسان به سوی کمال مطلوب را سامان می‌بخشند (رضوانی، سیده زینب؛ ۱۳۹۷: ۹). در ادامه به بیان مؤلفه‌های تربیتی توبه در مناجات تائبین در دعای خمسه عشر می‌پردازیم.

۶-۱. تزکیه نفس از طریق خودآگاهی و پذیرش مسئولیت گناه

توبه، به‌عنوان یک عمل اصیل اخلاقی، با ندامت و پشیمانی قلبی از گناه آغاز می‌شود؛ این ندامت موثر، خود محصول بیداری وجدان و خودآگاهی نسبت به خطاها و تقصیرهای گذشته است. به‌عبارت دیگر، خودآگاهی، بستر لازم را برای حصول آن پشیمانی حقیقی که شرط اول توبه است، فراهم می‌سازد. این خودآگاهی، صرفاً یک شناخت ذهنی نیست، بلکه نوعی پذیرش مسئولیت در قبال گناه است. فرد تائب، دیگر گناه را به گردن دیگران یا شرایط محیطی نمی‌اندازد، بلکه با شجاعت، مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد. این پذیرش مسئولیت، زمینه‌ساز تزکیه نفس می‌شود؛ زیرا فرد با خطای خود، آماده می‌شود تا به اصلاح و جبران آن بپردازد. در فراز اول دعای خوانیم: «الْبَسْتِي الْخَطَايَا تَوْبَ مَدَّتِي» که نشان می‌دهد گناه، نوعی هویت منفی به فرد تحمیل کرده است. توبه، فرصتی برای رهایی از این هویت منفی و بازگشت به فطرت پاک است. عبارت «وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمَ جَنَائِي» نیز بیانگر این است که گناه، قلب را از حیات معنوی دور می‌کند. توبه، احیای قلب و بازگشت به زندگی معنوی است.

شاهد این مطلب در قرآن کریم آمده است: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا) (شمس/۹-۱۰)؛ هر کس نفس خود را پاک کرد، رستگار شد و هر کس آن را آلوده ساخت، زیان‌کار شد. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هر کس خود را شناخت، خدای خود را شناخت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۰۲). این شناخت نفس، شامل شناخت نقاط ضعف و قوت، و شناخت مسئولیت‌ها در قبال اعمال خود است؛ یعنی کسی که نفس خود را به‌همان صورتی که ذکر شد بشناسد، پروردگارش را با



شناخت برخاسته از محبت شناخته است؛ پس در تمام حالاتش از او اطاعت می‌کند و از دستوراتش پیروی می‌کند و هیچ کاری که مخالف امر یا نهی او باشد، انجام نمی‌دهد. (مهریزی، ۱۳۹۰: ۲۸۸-۲۸۹). بشر دارای طبیعتی است که گاه به راه مستقیم رفته و گاه راه انحراف در پیش می‌گیرد. به همین دلیل است که لازمه بازگشت به راه راست محاسبه دائم نفس و اقرار و اعتراف به خطایا و اشتباهات و سپس توبه و بازگشت و تصمیم بر عدم بازگشتن به حالت گناه و معصیت می‌باشد.

امام باقر علیه‌السلام در همین رابطه فرموده‌اند: به خدا سوگند کسی از گناه نجات نمی‌یابد مگر این‌که به گناه خود اقرار و اعتراف نماید (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۳۴۷). دکتر الکسیس کارل می‌گوید: دعا و ارستگی از خود، یعنی شکل عالی ترکیه نفس است (۱۳۴۸: ۱۴۸). همان‌طور که جسم به غذا نیاز دارد و به کمک آن به رشد و تکامل می‌رسد، روح نیز به غذای روحانی و معنوی نیاز دارد و دعا و نیایش غذایی روح است. توبه در مناجات تائبین، فرایندی خودآگاهانه و ساختاریافته است که با شناخت گناه آغاز می‌شود، اقرار به خطا را به مثابه سنگ بنای مسئولیت‌پذیری می‌ستاید، و با تعهد عملی به ترک معصیت به بلوغ اخلاقی می‌رسد.

۶-۲. تحول عاطفی از طریق احساس شرمندگی و پشیمانی سازنده

بر اساس متون اسلامی، پشیمانی و ندامت به‌عنوان رکن رکین و مقوم ذات توبه، نقطه آغاز و محرک اصلی فرایند توبه است که تداوم آن، استمرار و صحت توبه را تضمین می‌کند (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۷۵). اما این پشیمانی، نباید به ناامیدی و افسردگی منجر شود، بلکه باید سازنده باشد. دلیل کارنگی روان‌شناس مشهور آمریکایی درباره «چگونه نگرانی و تشویش را از خود دور کنیم»، می‌نویسد: امروز جدیدترین علم یعنی روان‌پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران تعلیم می‌دادند. چرا؟ به دلیل آن که روان‌پزشکان دریافته‌اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی، تشویش، هیجان و ترس را که ریشه بسیاری از بیماری‌ها و ناخوشی‌های ما است، برطرف می‌سازد (رسولی محلاتی، ۱۳۶۸: ۱۰۳). بنابراین، پشیمانی سازنده، فرد را به تغییر و اصلاح ترغیب می‌کند. این احساس، نوعی تحول عاطفی در فرد ایجاد می‌کند، زیرا او را از بی‌تفاوتی نسبت به گناه، به احساس مسئولیت و تعهد در برابر خداوند و جامعه سوق می‌دهد. تعابیر «فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ حَجَلْتِي وَافْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَاهُ مِنْ شَوْءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي» در مناجات تائبین نشان‌دهنده عمق این تحول عاطفی است. فرد تائب، از گناهان گذشته خود متأسف است و از رسوایی ناشی از آن‌ها می‌ترسد. این ترس و تأسف، او را به سوی اصلاح سوق می‌دهد.



شهید مطهری در یادداشت‌های خود آورده‌اند: «باید با توبه کاری کرد که اثر گناه از روح و حتی از تن و گاهی از اجتماع محو گردد. باید تخم گناه را از زمین روح و از زمین اجتماع بیرون آورد، زیرا حقیقت توبه یک قیام و تحول انقلابی شبیه تغییر رژیم‌های اجتماعی است. باید اوضاع و احوال داخلی را اصلاح کرد، بعد اوضاع و احوال خارجی. اول باید نهضتی علیه گناه شروع شود، همان‌طوری که نهضت‌های پیغمبران علیه اشخاص نبود، علیه گناه بود» (مطهری، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۲).

پس منشأ روحی توبه یا عذاب وجدان یا ندامت و ملامت و پشیمانی - که زیاد هم دیده می‌شود - یا عکس‌العمل مقامات عالی نسبت به مقامات دانی است و در واقع، قیام و انقلاب اصلاحی در داخل کشور وجود آدمی است و شاید به همین دلیل است که در قرآن کریم، در مواردی اصلاح را بعد از توبه ذکر می‌کند، «تاب و اصلح» (همان: ۴۳ و ۴۲). این فراز از مناجات تائبین در دعای خمسه عشر «مِنْ حَجَلْتِي وَافْتِضَاحِي» بیانگر شرمساری فرد از اعمال ناشایست و رسوایی درونی است. این عبارت نشان‌دهنده خودارزیابی انتقادی است که پایه توبه در اندیشه اسلامی محسوب می‌شود. تائب ابتدا باید به شناخت دقیقی از گناهان خود برسد و از شرم و پشیمانی به‌عنوان محرکی برای تغییر استفاده کند.

در علوم تربیتی اسلامی، این مرحله با مفهوم مُرَاقِبَه و مُحَاسَبَه مرتبط است، چنانکه امام علی(ع) می‌فرماید: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زِنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا»؛ خود را محاسبه کنید قبل از آنکه محاسبه شوید و خود را بسنجید قبل از آنکه سنجیده شوید (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: خطبه ۸۹). بنابراین، این شرمندگی، زمانی سازنده است که به ندامت قلبی بی‌انجامد؛ ندامتی که در روایات، سنگ بنای توبه حقیقی شمرده شده است: «النَّدَمُ تَوْبَةٌ» (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۴۷۱).

۶-۳. تقویت ایمان و امید به رحمت الهی به‌عنوان موتور محرک رشد معنوی

فرد تائب، با تجربه بخشش الهی، ایمانش به قدرت و رحمت خداوند بیشتر می‌شود. این ایمان و امید، به‌عنوان موتور محرک رشد معنوی عمل می‌کند. در مناجات تائبین آمده: «يَا أُمَّلِي وَبُعَيْتِي، وَيَا سُوْلِي وَمُنْيَتِي» و «إِلَهِي ظَلَلْتُ عَلَى دُنُوبِي عَمَامَ رَحْمَتِكَ»، «وَأَرْسَلُ عَلَى عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ» این تعبیر در دعا نشان‌دهنده این تقویت ایمان و امید است. فرد تائب، خداوند را امید و آرزوی خود می‌داند و از او می‌خواهد که رحمت و رأفت خود را بر او نازل کند. این امید، او را به سوی تلاش بیشتر در راه خدا سوق می‌دهد.

نجوای امام سجاد(ع) در فراز فوق، گویای این حقیقت است که باب رحمت الهی همواره به‌سوی بندگان خطاکار باز است. خداوند خود در آیات بسیاری نوید روح‌نواز بخشش و رحمت داده است: «قُلْ



يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
 الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳)؛ بگو: ای بندگان من که برخویشتن زیاده‌روی کرده‌اید در گناهان از حد
 گذشته‌اید و به خود ستم کرده‌اید، از بخشایش خدا نومید مباشید، به‌راستی خداوند همه گناهان را
 می‌آمرزد که اوست آمرزگار و مهربان؛ بنابراین، آن‌گاه که نفسی در ورطه خطا و لغزش گرفتار آید، شایسته
 است که افزون بر خوف از عواقب وخیم و آثار سوء معاصی، و نیز احساس شرمساری در پیشگاه حضرت
 حق، دل در گرو امید به مغفرت و رحمت واسعه الهی نیز داشته باشد.

باید در نظر داشت که این امید تا آنجا درست و به‌جاست که در انسان تأثیر سازنده داشته باشد و راه
 توبه و بازگشت به خداوند را بر روی او بگشاید نه اینکه خود زمینه لغزش‌ها و گناهان باشد و انسان با
 اتکا به رحمت الهی، از اطاعت خداوند سر باز زند. این نوع امید، که به گناه و فساد دامن
 زند، امید کاذب و یا امید دروغین نامیده می‌شود. امام باقر(ع) از چنین امیدی ما را پرهیز داده است و
 می‌فرماید: «تَحَرَّرْ مِنْ إِبْلِيسَ بِالْخَوْفِ الصَّادِقِ وَ إِيَّاكَ وَ الرَّجَاءِ الْكَاذِبِ فَإِنَّهُ يُوقِعُكَ فِي الْحَوْفِ الصَّادِقِ» با
 ترس واقعی از خداوند، از چنگال ابلیس بگریز! و پرهیز از امید دروغین! زیرا این‌گونه امیدهای بی‌اساس،
 تو را در نگرانی و ترس واقعی قرار خواهند داد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۴/۷۵).

شخصی به امام صادق(علیه السلام) عرض کرد: عده ای از یاران شما مرتکب گناه شده‌اند،
 می‌گویند: ما امید [به لطف و بخشش خدا] داریم. امام فرمود: «دروغ می‌گویند، آنان پیرو ما نیستند،
 گروهی‌اند که آرزوهای [بی‌پایه] بر آنان غلبه یافته است. هر کس به چیزی امید دارد برای آن، کار و
 فعالیت می‌کند، و هرکس از چیزی بترسد از آن فرار می‌کند» (کلینی: ۱۳۶۵: ۶۸/۲). حضرت علی(علیه
 السلام) می‌فرماید: «از کسانی مباش که بدون عمل شایسته، به آخرت امید دارند، و توبه را با آرزوهای
 دراز به تأخیر می‌اندازند (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: حکمت ۱۵۰).

بنابراین، سنگ بنای حرکت توبه تقویت امید و ایمان به رحمت الهی است. در فرازی از این مناجات
 می‌خوانیم: «يَا أُمَّلِي وَبُعَيْتِي» (ای امید و آرزوی من)، خطایی است که توبه‌کننده را به مرکزیت رحمت
 الهی در فرایند بازگشت و توبه متوجه می‌سازد. این امیدواری، موتور محرک بازگشت به سوی خداست،
 چرا که بدون اعتقاد به گستردگی رحمت الهی، توبه معنایی ندارد. در این فراز از مناجات ثانیین «ظَلَّلَ عَلَيَّ
 دُؤُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ»، توبه‌کننده با درخواست سایه‌افکندن ابر رحمت بر گناهان، دو گام تربیتی اساسی
 برمی‌دارد: اول: اعتراف به ضعف و ناتوانی در پوشاندن عیوب با تکیه بر خود، دوم: طلب تبدیل گناهان به
 فرصتی برای تجلی رحمت الهی. این درخواست، مبتنی بر شناختی است که قرآن کریم در آیه (وَلَوْلَا فَضْلُ



اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا) (نور/۲۱) بیان می‌کند: امام سجاده (ع) در این فراز، توبه را فرایندی پویا ترسیم می‌کند که در آن، انسان با تکیه به رحمت بی‌پایان الهی، به سوی رشد معنوی گام برمی‌دارد.

۶-۴. ارتقای معرفت الهی از طریق توسل به اسما و صفات الهی

شناخت حقیقی خداوند متعال تنها از طریق معرفی خود او ممکن است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰/۴). انسان با ابزارهای ادراکی محدود خود، نه توانایی دست‌یابی به شناخت کامل ذات الهی را دارد و نه این حق را که بتواند خداوند تبارک و تعالی را به‌طور جامع و تمام‌قد توصیف یا نام‌گذاری کند. از این‌رو، در روایات اسلامی، از یک‌سو تأکید شده است که خداوند فراتر از هر توصیفی است که بشر بتواند ارائه دهد، و از سوی دیگر آمده است که او همان‌گونه است که خود را وصف کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۷/۱). برخی این عبارت را به‌عنوان حدیثی قدسی نقل کرده‌اند: «كُنْتُ كَثْرًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ» (همان، ح ۱۱۹۹؛ حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۲).

این حدیث حاکی از آن است که خداوند پیش از آفرینش جهان، گنجی پنهان بود و اراده فرمود تا شناخته شود؛ از این‌رو، مخلوقات را آفرید تا از طریق آن‌ها شناخته گردد. خداوند متعال، درصدد است تا به‌گونه‌ای خود را به مخلوقاتش بشناساند که متناسب با ظرفیت و محدودیت‌های وجودی آن‌ها باشد. یکی از راه‌های این معرفت‌آفرینی، آشناساختن مخلوقات با اسما و صفات الهی است. در آیه شریفه (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) (بقره/۳۱) احتمال داده‌اند که مراد از تعلیم اسما اشاره به این اسما الهی باشد که انبیاء الهی و از جمله حضرت آدم خداوند متعال را با بعضی از آن اسما می‌خواندند و مورد اجابت قرار می‌گرفتند. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳/۳۲۹).

قرآن کریم در ۴ مورد به این اسما الحسنی اشاره فرموده است: (وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا) (اسرا/۱۸۰)؛ اسم‌های نیکو برای خداست؛ پس او را به وسیله آن‌ها بخوانید و آیه (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ) (اسرا/۱۱۰)؛ بگو او را چه الله بخوانید، چه رحمان هر چه بخوانید، او را نام‌های نیک است. (اللَّهُ لَا إِلَهَ هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ) (طه/۸)؛ خداوند است که خدای جز او نیست، او را نام‌های نیکوست. (هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ) (حشر/۲۴)؛ اوست خداوند آفریدگار پدیدآور صورتگر، او راست نام‌های نیک.

در این ۴ آیه خدا را با این نام‌ها می‌خوانیم و هنگام دعا صفات حق تعالی که هر یک نماینده قسمتی از تدبیر عالم یا نشان‌دهنده جلال کبریایی است، در نظر داعی مجسم می‌شود. این آیات به برخی از اسما و



صفات الهی اشاره می‌کند که می‌توان با تأمل در آن‌ها، معرفت خود را نسبت به خداوند افزایش داد. خداوند متعال خواندن و دعا کردن را برای درخواست حاجات و انجام عبادات، از طریق صفات و اسما حسنی خود میسر کرده است. یکی از محورهای تربیتی توبه در مناجات تائبین، ارتقای معرفت الهی از طریق توسل به اسما و صفات الهی است. تعابیر «يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ الْعُظْمِ الْكَبِيرِ» در مناجات تائبین نشان‌دهنده این ارتقای معرفت الهی است. غفردر لغت به معنای پوشاندن و ستر است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۹۷/۴). «غافر الذنب» به ذاتی اطلاق می‌شود که نه تنها گناه را می‌بخشد، بلکه آثار آن را نیز می‌پوشاند و جان تائب را از زنگار معصیت پاک می‌کند. این اسما به انسان می‌آموزد که خداوندی که او را عبادت می‌کند، نه خدایی منتقم و بی‌تفاوت، بلکه «غفور» و «رحیم» است. این معرفت، امید را در دل گناهکار زنده می‌کند و بنده را به سمت اعتماد و توکل به رحمت الهی سوق می‌دهد، نه فرار از او. در قرآن کریم آمده است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳). جبر در اصل به معنای بازگرداندن چیز شکسته به حالت اول یا بهتر از آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵/۱). این صفت، تنها به التیام دردهای جسمانی محدود نمی‌شود، بلکه «الْعُظْمِ الْكَبِيرِ» استعاره‌ای لطیف از روح شکسته، ایمان تضعیف‌شده و شخصیت متلاشی‌شده انسان گناهکار است. در این بخش از مناجات، امام سجاد (ع) با ذکر اسما و صفات الهی به انسان یادآوری می‌کند که این توسل به اسما و صفات، شناخت او را نسبت به ذات خداوند عمیق‌تر می‌کند.

۶-۵. تعهد به اصلاح رفتار و تغییر سبک زندگی به سوی رضایت الهی

از مؤلفه‌های اساسی در تربیت مبتنی بر توبه، اصلاح و جبران گذشته برای جلب رضایت الهی است. این مؤلفه نه تنها به معنای پشیمانی از گناهان گذشته، بلکه متضمن اقدام عملی برای تبدیل رفتارهای نادرست به اعمال نیک و جبران خسارت‌های اخلاقی یا اجتماعی ناشی از گناه است. این امر در آموزه‌های قرآنی، روایی مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن آمده است: «إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا» (فرقان/۷۰)؛ مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهانشان را به حسنات تبدیل می‌کند و خداوند آمرزنده و مهربان است. خداوند در این آیه، توبه را به مثابه انقلاب درونی معرفی می‌کند که با سه گام توبه، ایمان و عمل صالح، ماهیت گناه کارانه انسان را به هویتی نیکوکارانه مبدل می‌سازد.



علامه طباطبایی در ذیل آیه ۷۰ سوره فرقان تصریح می‌کند: تبدیل سیئات به حسنات، به معنای جایگزینی اعمال نیک به جای گناهان است، زیرا توبه واقعی انسان را به جایی می‌رساند که تلاش می‌کند با انجام اعمال صالح، اثرات گناه را از بین ببرد (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۳۳۴/۱۵). این آیه نشان می‌دهد که توبه واقعی، مستلزم انجام اعمال صالح است تا گناهان گذشته جبران شود و به حسنات تبدیل شود. خداوند در سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (تحریم/۸) این تعبیر نشان می‌دهد توبه واقعی، گذر از مرحله عذرخواهی به بازسازی زندگی است؛ به گونه‌ای که فرد ثواب همواره در مسیر اصلاح و رشد حرکت می‌کند (مرادی، مهرعلیان، ۱۴۰۰: ۵).

در مناجات تائبین تعابیر «لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ وَتَقْبَلَ تَوْبِي، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي» نشان‌دهنده این تعهد به اصلاح رفتار است. عبارت «وَتَقْبَلَ تَوْبِي» تنها یک درخواست برای بخشش نیست، بلکه درخواست برای قبولی توبه به‌عنوان یک عمل است. از منظر ادبیات دعایی، طلب قبولی برای عملی است که شرایط صحت و کمال را دارا باشد که مهم‌ترین شرط آن، همان عزم بر ترک گناه و جبران است که در مفهوم توبه نصح (تحریم/۸) آمده است. درخواست «وَأَكْفِرْ خَطِيئَتِي» درخواستی، منفعلانه نیست؛ بلکه مبتنی بر این آموزه قرآنی است که خداوند در ازای توبه و عمل صالح، سیئات را می‌پوشاند و به حسنات مبدل می‌کند (فرقان/۷۰).

بنابراین، این فراز، نشان‌دهنده امیدواری و توکل ثواب به فضل الهی برای تکمیل فرایند جبران است، پس از آنکه خود، تعهد عملی خویش را اعلام کرده است. فراز کلیدی «لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ» اوج تعهد ثواب به تغییر سبک زندگی است. «عُتْبَىٰ» به معنای بازگشت و رجوع است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۷۷/۱) و در اینجا به معنای مسیر بازگشت و توبه است. این عبارت نشان می‌دهد که ثواب، خود را ملزم می‌داند که در مسیر توبه و بندگی «لَكَ الْعُتْبَىٰ» از حرکت باز نایستد تا به نهایت مقصود، یعنی رضایت الهی «حَتَّىٰ تَرْضَىٰ» نائل شود. این دقیقاً همان مفهوم تعهد به اصلاح رفتار و تغییر سبک زندگی به سوی رضایت الهی است این فراز، عصاره مفهوم تربیتی توبه فعال و پویا را نشان می‌دهد که در سخن حضرت علی(ع) «تَوْبَتِكَ التَّوَرُّعُ عَنِ الذَّنْبِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۴/۷۴) نیز بدان اشاره شده است.



۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی توصیفی و با استناد به قرآن کریم، روایات معتبر و تفاسیر، پنج مؤلفه تربیتی توبه را در مناجات تائبین دعای خمسه‌عشر استخراج کرد که در یک الگوی نظام‌مند و جامع قابل تبیین است. در گام نخست، «خودآگاهی انتقادی» به‌عنوان سنگ بنای تربیت اخلاقی شناسایی شد که با اقرار به گناه و تزکیه نفس، فطرت پاک انسان را احیا می‌کند؛ رویکردی که در قرآن با عبارت «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» بر فلاح انسان تأکید دارد؛ سپس «تحول عاطفی» مبتنی بر ندامت سازنده، محور دوم تربیت توبه‌گرا است که فرد را از رکود اخلاقی به پویایی معنوی سوق می‌دهد. در سطح سوم، «تقویت ایمان و امیدواری» به رحمت الهی، با تکیه بر اسمایی چون «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» و آیاتی نظیر «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»، موتور محرک توبه را شکل می‌دهد و با زدودن یأس، بستر بازسازی شخصیت را فراهم می‌کند. مؤلفه چهارم، «ارتقای معرفت الهی» است که از طریق توسل به صفات جمال و جلال خداوندی مانند «غَافِرِ الذَّنْبِ»، شناخت وجودی انسان را تعمیق بخشیده و تقرب به ذات الهی را ممکن می‌سازد. سرانجام، «تعهد عملی به تغییر سبک زندگی» به‌عنوان مؤلفه پایانی، بازتاب عینی توبه در رفتار فردی و اجتماعی است که بر اساس آموزه قرآنی «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»، تبدیل سیئات به حسنات را هدف‌گذاری می‌کند.

این پژوهش نشان می‌دهد مناجات تائبین، فراتر از یک متن عبادی، نقشه راهی برای تربیت دینی در عصر حاضر است که با ترکیب هوشمندانه «اعتراف، پشیمانی، ترک گناه و امیدواری»، تغییر بنیادین در ساحت‌های فکری، عاطفی و عملی انسان ایجاد می‌کند. این الگو نه تنها پاسخگوی بحران‌های روحی ناشی از گناه در جوامع امروزی است، بلکه با قابلیت به‌کارگیری در طراحی برنامه‌های تربیتی، متون اخلاقی و مشاوره‌های معنوی، پلی میان نیازهای فردی و الزامات اجتماعی برقرار می‌سازد. در مجموع، مناجات تائبین به‌عنوان چراغی فراروی مسیر تکامل اخلاقی، انسان را در پرتو رحمت بی‌پایان الهی به سوی کمال رهنمون می‌سازد.



فهرست منابع:

- قرآن کریم

- ابن بابویه، شیخ صدوق. (۱۴۱۸). **الهدایه فی الاصول و الفروع**. چاپ اول. قم: موسسه امام هادی علیه السلام.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱). **مهج الدعوات و منهج العبادات**. محقق/مصحح: کرمانی، ابوطالب و محمد حسن. قم: دارالذخائر.
- ابن فارس، احمد. (۱۲۰۴ ه.ق). **معجم مقاییس اللغة**. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ق). **لسان العرب**. بیروت: نشر دارصادر.
- آستان قدس رضوی. (۱۳۸۸ ه.ش؛ ۱۴۴۳ ه.ق). **بنیاد پژوهش‌های اسلامی**. مشهد مقدس، ایران.
- برسی، حافظ. (۱۴۲۲). **مشارق الانوار فی اسرار امیرالمومنین علیه السلام**. محقق: عاشور، علی. بیروت.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). **غورالحکم و دررالکلم**. مصحح: رجائی، سیدمهدی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- تهرانی، آقابزرگ. (۱۴۰۳). **الذریعه الی تصانیف الشیعه**. چاپ اول. بیروت: دارالاضواء.
- حداد عادل، غلام‌علی؛ میرسلیم، مصطفی. (۱۳۷۵). **دانشنامه جهان اسلام**. تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- حرعاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۱). **الصحیفه السجادیه الثانیه**. تحقیق: فارس، حسون کریم. قم: موسسه المعارف-الاسلامیه.
- ----- (۱۴۰۹). **وسائل الشیعه**. چاپ اول. قم: موسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
- داودی، محمد. (۱۳۸۰). **سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)**. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۲). **سیری در تربیت اسلامی**. تهران: نشر دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ه.ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: نشر دار القلم.
- رسولی محلاتی، سیدهاشم. (۱۳۶۸). **کیفر گناه و آثار و عواقب آن**. چاپ دهم. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ری شهری، محمدالمحمد. (۱۴۰۳-۱۴۰۵). **میزان الحکمه**. قم: مرکز النشر: مرکز الاعلام الاسلامی.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ه.ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دار الکتاب العربی.
- سیاح، احمد. (۱۳۸۳ ه.ش). **فرهنگ بزرگ جامع نوین**. تهران: اسلام.
- صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ ه.ق). **المحیط فی اللغة**. بیروت: نشر عالم الکتب.
- طباطبایی قمی، سید تقی. (۱۴۲۳). **الدلائل فی شرح منتخب المسائل**. چاپ اول. قم: کتابفروشی محلاتی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۵۲). **المیزان فی تفسیر القرآن**. مترجم: موسوی همدانی، سیدمحمدباقر. چاپ سوم. بیروت: لبنان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). **مجمع البیان**. تحقیق: رضا ستوده. تهران: انتشارات فراهانی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ ه.ق). **مجمع البحرین**. تحقیق: سیداحمد خمینی، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- العسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله. (۱۴۱۲ ه.ق). **معجم القروق اللغویه**. محقق: شیخ بیت‌الله بیات. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ه.ق). **العین**. چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی. (۱۳۶۵ ه.ق). **نهج البلاغه**. تهران: چاپخانه سپهر.



- قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۳۷۱). **قاموس القرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کارل، الکسیس. (۱۳۴۸). **انسان موجودی ناشناخته**. ترجمه: دبیری، پرویز. چاپ پنجم. اصفهان: انتشارات تأیید.
- کاشانی، ملا فتح الله. (۱۳۳۶ ه.ش). **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**. تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی.
- کبیرمدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد. (۱۴۰۹). **ریاض السالکین فی شرح صحیفه الساجدین**. محقق: حسینی امینی، محسن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ ه.ش). **الکافی**. تحقیق: علی اکبر غفاری. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ ه.ق). **تفسیر بیان السعاده من مقامات العباده**. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ماهنامه معرفت علمی ترویجی. (۱۳۷۰). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. تحقیق: یحیی عابدی. چاپ دوم. بیروت: موسسه الوفاء.
- مرادی، محمد، و مهرعلیان گورتانی، هاجر. (۱۴۰۰). «نمادهای اخلاقی در مناجات خمس عشر امام سجاد علیه السلام». **کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی**. <https://sid.ir/paper/fa900705SID>.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۸۸). «در جستجوی رحمت الهی (۱)». **ماهنامه معرفت**. شماره ۱۴۵، ص ۲.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. قاهره: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). **یادداشت ها**. انتشارات صدرا.
- مظفری، محمد؛ جمشیدی، سعید. (۱۳۸۳). **اسیران و جانبازان کربلا**. قم: نشر فراز اندیشه.
- منصوری لاریجانی. (۱۳۸۳). **شرح مناجات خمسہ عشر**. تهران: خلیلیان.
- مهریزی، مهدی. (۱۳۹۰). **حدیث پژوهی**. مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم: سازمان چاپ و نشر.
- وحید پرویزی، (۱۴۰۱). «تبیین مقاصد تربیت اخلاقی در مناجات خمسہ عشر». **نشریه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام**. ۱۳(۴)، ۸۵-۱۰۲. 2682649magiran.com/p.
- رضوانی، سیده زینب. (۱۳۹۷). «بررسی مؤلفه های نظام تعلیم و تربیت». چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی. قم، <https://civilica.com/doc/778199>
- حق شناس، علی محمد و همکاران. (۱۳۸۳). **فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی**. تهران، فرهنگ معاصر.
- خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). **شرح چهل حدیث**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

